

تاریخ بیهقی

از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان

فرشته مؤمنی، احمد غنی پور ملک‌شاه، نادر ابراهیمیان

چکیده

زبان پدیده‌ای اجتماعی است که با تغییر و تحول در جامعه دچار دگرگونی می‌شود. ویژگی اجتماعی زبان موجب شده است که با عوامل اجتماعی مرتبط گردد و دگرگونی‌های اجتماعی جامعه را در خود منعکس کند.

تحولات اجتماعی نسبت به تحولات زبانی با سرعت بیشتری صورت می‌گیرند و زبان نیز تحت تأثیر دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی واقع می‌شود. علمی که به بررسی روابط بین زبان و جامعه می‌پردازد، «جامعه‌شناسی زبان» نامیده می‌شود. وظیفه جامعه‌شناسی زبان بررسی گوناگونی‌های زبان بر اساس عوامل اجتماعی است. از مؤلفه‌های شاخص در حوزه جامعه‌شناسی زبان می‌توان به طبقه اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، مذهب، سبک، سن و قومیت اشاره کرد.

تاریخ بیهقی به‌عنوان یک اثر تاریخی، اجتماعی و ادبی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان قابل بررسی است. مقاله حاضر ارتباط این مؤلفه‌ها را با زبان این اثر، به روش تطبیقی تحلیلی بررسی می‌کند.

مطابق نتایج تحقیق، زبان بیهقی و شخصیت‌های شاخص در تاریخ بیهقی تحت تأثیر این مؤلفه‌ها قرار دارند. افراد، تحت تأثیر موقعیت اجتماعی خود و اینکه در چه جایگاهی در دربار قرار دارند و در چه منصب و شغلی به کار مشغول‌اند، رفتار زبانی متفاوتی دارند. در تاریخ بیهقی، شخصیت‌ها آرام‌اند و رفتارشان آهنگی سنگین دارد.

در این اثر، حضور زن کم‌رنگ است و به ندرت گفت‌وگویی مستقیم بین زنان صورت می‌گیرد. با این حال، می‌توان در

رفتار زبانی مردان و زنان تفاوت‌هایی را دید، اما گاهی جنسیت موجب تفاوت در رفتار زبانی آنان نمی‌شود. ذهنیت دینی بیهقی، بسیاری از واژگان و عبارات‌های دینی و مذهبی را وارد متن کرده است. بیهقی و شخصیت‌های شاخص با قرار گرفتن در موقعیت‌های گوناگون، رفتار زبانی متفاوتی از خود نشان می‌دهند و به خوبی می‌توانند احساسات و اندیشه‌های خودشان را با زبانشان انطباق دهند.

مهم‌ترین کارکرد زبان، کارکرد اجتماعی آن است. ویژگی اجتماعی زبان آن را با عوامل اجتماعی مرتبط ساخته و موجب شده است که دگرگونی‌های اجتماعی را در خود منعکس سازد

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی زبان، طبقه اجتماعی، شغل، جنسیت، مذهب، سبک، سن، تاریخ بیهقی

مقدمه زبان و جامعه

زبان بر اساس نیاز انسان‌ها به ارتباط ذهنی با سایرین و انتقال مفاهیم، احساسات و نیت‌ها و مبتنی بر زمینه مرادفات اجتماعی و فعالیت‌های زندگی انسانی پدید آمده و از آن پس به‌عنوان ابزار مهم و تعیین‌کننده همین مرادفات اجتماعی و استمرار آن به‌کار رفته است.

افراد زبان را تنها برای انتقال افکار و احساسات خود به دیگران به کار نمی‌برند بلکه از ظرایف زبان در ایجاد ارتباطات اجتماعی با مردم مخاطب خود و با کسانی که تصادفاً شنونده آنان هستند و حتی با مردمی که در اطراف آن‌ها نیستند، بهره‌برداری می‌کنند (شیروان، ۱۳۷۶: ۱۶۶). بنابراین، مهم‌ترین کارکرد زبان، کارکرد اجتماعی آن است. ویژگی اجتماعی زبان آن را با عوامل اجتماعی مرتبط ساخته و موجب شده است که دگرگونی‌های اجتماعی



یک دسته، تفاوت‌هایی که به شخص سخن‌گو مربوط می‌شود؛ یعنی ناشی از وضعی است که او در اجتماع دارد؛ وضعی که در یک مقطع زمانی تقریباً ثابت است. به این گونه تفاوت‌ها لهجه گفته می‌شود.

دسته دوم، تفاوت‌هایی است که ناشی از کاربردهای گوناگون زبان برای منظوره‌های متفاوت روزمره است؛ وضعی که دائماً در تغییر است. به این تفاوت‌ها «سبک» گفته می‌شود (باطنی، ۱۳۵۵: ۲۱).

ادامه مطلب در وبگاه مجله

را در خود منعکس سازد. به‌طور کلی، میان زبان و جامعه رابطه تنگاتنگی وجود دارد. زبان و جامعه، هر دو در حال دگرگونی هستند اما میزان تحولات و تغییرات در زبان و جامعه یکسان نیست. تغییرات و تحولات اجتماعی نسبت به تحولات زبانی با سرعت بیشتری صورت می‌گیرند و زبان نیز تحت تأثیر دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی واقع می‌شود.

مطابق نظر زبان‌شناسان، تاکنون بین تمدن و فرهنگ یک جامعه و ساختمان زبانی آن رابطه‌ای دیده نشده است اما بین واژگان و تمدن و فرهنگ جامعه رابطه نزدیکی وجود دارد و در حقیقت، واژگان زبان یک جامعه نمایانگر فرهنگ مردم آن جامعه است. «واژگان در حکم فهرست حوادث و شیوه زندگانی، تمدن، اندیشه‌ها و آرزوهای آن ملت است. هر تحولی که در جامعه رخ می‌دهد، چه مادی و چه معنوی، تغییراتی در لغات متداول آن جامعه پدید می‌آورد» (خانلری، ۱۳۴۰: ۵۹۷).

جامعه‌شناسی زبان

هیچ زبانی یک دست و یک‌نواخت نیست؛ یعنی بین سخن‌گوینان آن از نظر تلفظ، واژگان و در مقیاسی محدودتر، از نظر دستور زبان تفاوت‌هایی وجود دارد. بعضی از این تفاوت‌ها فردی هستند و برخی دیگر جنبه گروهی دارند. این تفاوت‌های جمعی، که گروهی از سخن‌گوینان یک زبان را از دیگران جدا می‌کند، معمولاً به عواملی غیر زبانی بستگی دارند. از دیدگاهی دیگر، تفاوت‌های زبانی را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد:

منابع

۱. باطنی، محمدرضا (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی زبان، فرهنگ و زندگی، شماره ۲۱.
۲. ——— (۱۳۳۳). چهار گفتار درباره زبان، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
۳. بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۹). تاریخ بیهقی، به تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
۴. تیزادگیل، پیتر (۱۳۷۹). زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمد طباطبایی، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
۵. حسینی کازرونی، احمد (۱۳۸۴). فرهنگ تاریخ بیهقی، چاپ اول، تهران: انتشارات زوار.
۶. راوندی، مرتضی (۱۳۵۴). تاریخ اجتماعی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. شمیسا، سیروس (۱۳۸۲). سبک‌شناسی نثر، چاپ هفتم، تهران: نشر میترا.
۸. قدیانی، عباس (۱۳۸۷). تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره غزنویان تا پایان خوارزمشاهیان، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ مکتوب.
۹. مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. والدمن، مرلین (۱۳۷۵). زمانه، زندگی و کارنامه بیهقی، ترجمه منصوره اتحادیه، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
۱۱. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). یادنامه ابوالفضل بیهقی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۱۲. یول، جورج (۱۳۷۴). نگاهی به زبان، ترجمه نسرین حیدری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.